Applied criminology research

https://www. qacr. ir

Article Type: **Research**

Volume 4, Issue 12, Summer 2026, pp 55-76

Criminological Analysis of the Role of Sports Orientation in Reducing Behavioral Violence

Ali Karimi[1]

[Received: 2026/04/08 Accepted: 2026/07/08]

10. 22034/aqcr.2026.2087049.1198

Abstract

Sports, as one of the important leisure activities, has several educational goals and can be effective in adapting criminals to different environments and also in preventing crime. The study of various researches in the field of sports shows that sports and physical activity, as a strong and active element, are one of the very important factors that have the ability to influence crime and crimes and reduce the amount of deviations and behavioral violence, and its continuation is effective in improving the material and spiritual level of society and guarantees the physical and mental health of individuals. Therefore, the present study was conducted with the aim of criminologically analyzing the role of the tendency to sports in reducing behavioral violence. This research was conducted with a descriptive-analytical approach and using library resources. By examining the relationships between research constructs, this study provides a framework that, considering the strategies for reducing behavioral violence among youth and students and preventing crime, increases the tendency to social unity and solidarity through participation in sports. By creating individual discipline, strengthening teamwork spirit, increasing self-confidence and improving mental and physical health, sports help reduce the tendency to risky and criminal behaviors. The biological and psychosocial mechanisms of sports, as a non-pharmacological intervention, lead to strengthening psychological security. Also, the development of social crime prevention indicators showed that sports can act as an informal control tool in criminal policy.

Keyword: Culture, Sports, Crime, Leisure Time, Behavioral Violence.

Citation: Karimi, A. (2026). Criminological Analysis of the Role of Sports Orientation in Reducing Behavioral Violence. *Applied criminology research*, 4(12), 55-76.
https://www.qacr.ir/article_741513.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran). Email: Karimi@abru.ac.ir

CC BY

پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی
https://www. qacr. ir
سال چهارم، شماره دوازدهم، تابستان ۱۴۰۵، صص ۵۵-۷۶
نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل جرم‌شناختی نقش گرایش به ورزش در کاهش خشونت‌های رفتاری

علی کریمی[۱]

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷]
doi 10. 22034/aqcr.2026.2087049.1198

چکیده

ورزش به‌عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اوقات فراغت، دارای اهداف تربیتی متعددی بوده و می‌تواند در سازگاری بزهکاران با محیط‌های مختلف و همچنین پیشگیری از وقوع جرم مؤثر واقع گردد. مطالعه تحقیقات مختلف در زمینه ورزش نشان‌دهنده آن است که ورزش و فعالیت بدنی به‌عنوان یک عنصر قوی و فعال، یکی از عوامل بسیار مهمی است که قابلیت تأثیرگذاری بر جرم و جنایات و کاهش میزان انحرافات و خشونت‌های رفتاری را دارا می‌باشد و استمرار آن در ارتقاء سطح مادی و معنوی جامعه مؤثر واقع‌شده و سلامت جسمی و روحی افراد را تضمین می‌نماید. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف، تحلیل جرم‌شناختی نقش گرایش به ورزش در کاهش خشونت‌های رفتاری انجام گرفت. این پژوهش با رویکردی توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام‌گرفته است. این مطالعه با بررسی روابط میان سازه‌های پژوهش، چارچوبی را فراهم می‌کند که با توجه به راهکارهای کاهش خشونت‌های رفتاری جوانان و دانشجویان و پیشگیری از جرم و جنایت، گرایش به اتحاد و همبستگی اجتماعی از طریق مشارکت در ورزش افزایش یابد. ورزش با ایجاد انضباط فردی، تقویت روحیه کار گروهی، افزایش اعتمادبه‌نفس و بهبود سلامت روانی و جسمانی، به کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر و مجرمانه کمک می‌کند. سازوکارهای زیستی و روانی- اجتماعی ورزش، به‌عنوان یک مداخله غیردارویی، منجر به تقویت امنیت روانی می‌گردد. همچنین تدوین شاخص‌های پیشگیری اجتماعی از جرم نشان داد که ورزش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کنترل غیررسمی در سیاست جنایی عمل کند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، ورزش، جرم، اوقات فراغت، خشونت‌های رفتاری.

استناددهی: کریمی، علی. (۱۴۰۵). تحلیل جرم‌شناختی نقش گرایش به ورزش در کاهش خشونت‌های رفتاری. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۴(۱۲)، ۵۵-۷۶.

https://www.qacr.ir/article_741513.html

۱. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: alikarimi60@pnu.ac.ir

CC BY

مقدمه

پدیده خشونت به‌مثابه یکی از معضلات بزرگ جامعه متمدن است که با پیشرفت‌های اخیر بشر، تغییر الگوهای زندگی و روابط انسانی به‌ویژه بسط الگوهای جدید زندگی اجتماعی، مسائل اخلاقی و مشکلات مربوط به آن نیز اشکال جدیدتری به خود گرفته است (افروزه و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۱٤). خشونت به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده سلامت روان در سطح فردی و جمعی، اثرات عمیق و گسترده‌ای بر کیفیت زندگی، رفاه روانی و عملکرد اجتماعی افراد و جوامع دارد (Lerman et al, 2022, p. 181). سازمان بهداشت جهانی، خشونت را به‌عنوان استفاده عمدی از زور یا قدرت فیزیکی یا روانی علیه خود، دیگران یا جامعه تعریف می‌کند که می‌تواند پیامدهایی نظیر آسیب‌های جسمی، مرگ، اختلالات روانی و کاهش کیفیت زندگی را به‌دنبال داشته باشد (Oram et al, 2022, p. 487). از منظر سلامت روان، خشونت نه‌تنها منجر به بروز اختلالات روانی متنوعی مانند اضطراب، افسردگی و استرس پس از سانحه می‌شود، بلکه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سلامت روانی جمعیت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌ویژه در جوامع آسیب‌پذیر باعث تشدید مشکلات روانی–اجتماعی می‌گردد (Parent et al, 2022, p. 323). پیامدهای گسترده خشونت، از کاهش احساس امنیت روانی گرفته تا ایجاد اختلال در روابط اجتماعی و کاهش کارکردهای شناختی، بر ضرورت رویکردهای سلامت‌محور و پیشگیرانه تأکید می‌کند (Sharei et al, 2023, p. 31). در این میان، اتکای صرف بر نظام کنترل رسمی (پلیس، زندان و قضایی) نشان داده است که به‌تنهایی قادر به مهار ریشه‌های روانی و اجتماعی این پدیده نیست و غالباً با بازگشت مجرمان و برچسب‌زنی بیشتر مواجه می‌شود.

ضرورت انجام این پژوهش از آن رو است که شواهد علمی اخیر نشان می‌دهند که ورزش به‌سلامت جسمی، روانی و عاطفی افراد کمک می‌کند و نقش بسزایی در رشد و تعالی زندگی اجتماعی سالم دارد. این به افراد کمک می‌کند یاد بگیرند که چگونه از طریق نظم و انضباط و سخت‌کوشی به اهداف خود دست یابند. ورزش یک فعالیت انسانی است که فرصتی برای خودشناسی، ابراز وجود و تحقق دستاوردهای شخصی فراهم می‌کند و ما را درگیر یک تلاش جمعی برای تعالی انسانی می‌سازد (Himmelstein et al, 2021, p. 117).

در واقع، فعالیت‌های ورزشی و بدنی به‌عنوان یک مداخله غیردارویی، کم‌هزینه و در دسترس، ظرفیت قابل توجهی برای ارتقاء سلامت روان و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز دارد (Lowry et al, 2021, p. 352). از منظر حقوق کیفری عصب‌شناختی که تلفیقی از یافته‌های علوم اعصاب با تحلیل‌های نظام‌های حقوق است، درک عمیق‌تر و علمی‌تر مکانیسم‌های زیستی و روانی خشونت می‌تواند چارچوب جدیدی برای مسئولیت کیفری، پیشگیری و

بازپروری فراهم آورد (Reddy, 2025, p. 93). این رویکرد سلامت‌محور، نه‌تنها موجب بهبود سیاست‌های جنائی پیشگیرانه می‌شود، بلکه امکان طراحی مداخلات اثربخش و انسانی‌تر در راستای کاهش خشونت و بهبود سلامت روانی جامعه را مهیا می‌سازد (Hall & Poirier, 2021, p. 284). تلفیق دانش علوم اعصاب، روان‌شناسی سلامت و حقوق کیفری در بستر مداخلات ورزشی، یک چشم‌انداز نوآورانه و چندبعدی برای حل مسأله خشونت به روش‌های علمی و کاربردی فراهم می‌آورد (Hunter et al, 2022, p. 609).

پژوهش حاضر با رویکردی نوین به ورزش به‌عنوان مفهومی اثرگذار در کاهش خشونت‌های رفتاری از نگاه جرم‌شناسانه می‌پردازد. در نهایت اینکه پژوهش حاضر با الهام از رهیافت‌های نظری جرم‌شناسانه و روان‌شناسی اجتماعی ضمن تحلیل نظام رفتاری پرخاشگری و خشونت، به کنترل خشونت و راهکارهای پیشگیری آن از طریق ورزش می‌پردازد. حال این سؤال مطرح است که گرایش به ورزش از طریق چه سازوکارهای جرم‌شناختی بر کاهش خشونت‌های رفتاری تأثیر می‌گذارد؟

۱. مدل مفهومی پژوهش

گرایش به ورزش
↓
افزایش خودکنترلی ← تقویت پیوندهای اجتماعی ← کاهش فشار و تنش روانی ← تقویت هنجارپذیری و انضباط ← افزایش احساس تعلق اجتماعی
↓
کاهش خشونت‌های رفتاری
↓
پیشگیری اجتماعی از جرم

نوآوری مدل این است که نظریه‌های مهم جرم‌شناسی مانند کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و فشار را در یک چارچوب واحد تلفیق می‌کند و نشان می‌دهد که اثر گرایش به ورزش بر کاهش خشونت، اثری غیرمستقیم و مبتنی بر سازوکارهای اجتماعی و روان‌شناختی است. از این‌رو، در مدل مفهومی این پژوهش، کنترل اجتماعی به‌عنوان سازوکار میانجی عمل می‌کند که از طریق تقویت هنجارپذیری، مسئولیت‌پذیری و نظارت غیررسمی، رابطه میان گرایش به ورزش و کاهش خشونت‌های رفتاری را تبیین می‌کند.

۲. مفهوم‌سازی جرم‌شناختی: خشونت رفتاری در برابر گرایش به ورزش

در نگاه جرم‌شناختی، خشونت رفتاری مصداق نقض هنجار و قانون است که با هدف آسیب‌رسانی انجام می‌شود، در حالی که گرایش به ورزش اغلب به‌عنوان یک سازوکار کنترل اجتماعی و «زیرکنارایی» پرخاشگری عمل می‌کند. این مفهوم‌سازی بررسی می‌کند که آیا ورزش می‌تواند از طریق تخلیه انرژی‌های هیجانی، مانع ارتکاب جرم شود یا اینکه در ورزش‌های خشن، یادگیری رفتارهای تهاجمی تقویت می‌شود. تفاوت بنیادین در این است که خشونت رفتاری بیانگر فروپاشی کنترل درونی فرد است، اما گرایش به ورزش نشان‌دهنده تلاش برای هدایت نیروی فیزیکی در چارچوب قواعد و انضباط پذیرفته‌شده است. بنابراین، جرم‌شناسی تلاش می‌کند تعیین کند که گرایش به ورزش یک عامل بازدارنده در برابر بزهکاری است یا صرفاً یک بستر جایگزین برای نمایش قدرت فیزیکی است.

۲-۱. خشونت رفتاری به‌مثابه «انحراف فرعی» و «جرم خیابانی»

بررسی ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش، زمینه‌ای نظری و تجربی برای درک عمیق‌تر مسأله فراهم می‌سازد. فرهنگ حقوقی، خشونت را استفاده نابه‌جا، غیرقانونی و تعرض‌آمیز از قدرت تعریف می‌کند. یک نوع آن اجبار غیرقانونی است که علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی به‌کار برده می‌شود. در واقع خشونت رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح، تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۴۰۲، ص ۲۷). اولین تعریف خشونت از گلز و استراوس (۱۹۷۹) است. از دید این دو محقق، خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک)، برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگری است. از ویژگی‌های مهم این تعریف این است که اولاً، تأکید بر قصد و نیت فرد جهت وارد کردن آسیب به دیگری است، اما شدت جراحات مورد نظر نیست و در ثانی تأکید این تعریف بر خشونت فیزیکی است (ستوده، ۱۳۹۵، ص ۸۸). در مطالعات جرم‌شناختی، خشونت رفتاری پدیده‌ای است که بسته به بستر وقوع، در تقاطع مفاهیم «انحراف فرعی» و «جرم خیابانی» قرار می‌گیرد. از منظر رویکردهای کیفری، بسیاری از کنش‌های خشونت‌آمیز فردی فاقد پیچیدگی سازمان‌یافته بوده و صرفاً به‌عنوان انحرافات فرعی[1] تلقی می‌شوند که بیشتر نقض هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شوند تا جرایم سنگین (Sampson & Raudenbush, 1999, p. 604). با این‌حال، زمانی‌که همین رفتارهای پرخاشگرانه در فضاهای عمومی و معابر شهری ظهور پیدا می‌کنند، ماهیت آن‌ها تغییر می‌کند. در اینجا، خشونت رفتاری از یک انحراف فردی

1. Minor Deviance

خارج شده و مستقیماً به‌عنوان یک «جرم خیابانی» (Street Crime) تعریف می‌گردد. در واقع، بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره، وقوع خشونت در خیابان، ماهیت آن را از یک هنجارشکنی ساده به یک تهدید ملموسِ کیفری در فضای عمومی ارتقا می‌دهد (Felson, 2020, p. 21). این نوع رفتارها که غالباً در فضاهای عمومی و بدون نظارت رخ می‌دهند، جزو جرایم خیابانی و انحرافات فرعی محسوب می‌شوند که نظام کنترل رسمی در مهار آن‌ها ناکارآمد بوده است (ذهکایی، ۱۳۸۷، ص ٤٥). «خشونت رفتاری» به هرگونه رفتار عمدی کلامی یا فیزیکی اطلاق می‌شود که با هدف یا نتیجه وارد ساختن آسیب به افراد یا اموال همراه باشد (World Health Organization, 2002, p. 5).

۲-۲. گرایش به ورزش به‌مثابه «نهادکننده هنجارهای مشروع»

ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، در جوامع مدرن امروز جایگاه خاصی در مطالعات اندیشمندان علوم مختلف یافته است. ابعاد گوناگون این پدیده، آن را از یک امر رقابت انگیز صرف خارج ساخته و دامنه آن را به اغلب موضوعات اجتماعی مرتبط کرده است. در ادبیات جرم‌شناختی، ورزش صرفاً یک فعالیت فیزیکی محسوب نمی‌شود، بلکه به‌مثابه یک مکانیسم کنترل اجتماعی عمل می‌کند که هنجارهای مشروع را در نهاد و روان فرد می‌نشاند. زمانی‌که افراد به سمت ورزش گرایش پیدا می‌کنند، در واقع وارد یک نظام منسجم از قواعد پذیرفته‌شده می‌شوند که تخطی از آن‌ها با واکنش گروه یا داور روبه‌رو خواهد شد. این فرایند ساختاری، افراد را با مفاهیم بنیادینی نظیر انضباط، پذیرش اقتدار قانونی و رعایت حقوق دیگران آشنا می‌سازد. ورزش در اینجا به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعیِ غیررسمی، الگوهای رفتاری موجه و قانونمند را تقویت و در عین حال، رفتارهای تکانشی و خشونت‌آمیز را مهار می‌کند. در نتیجه، درونی‌سازی این هنجارهای مشروع در بستر ورزشی، به فرد یاری می‌کند تا در فضای بیرون از زمین بازی نیز از مرزهای رفتاری قانونمند پیروی کرده و این امر به شکل طبیعی، نقش بازدارنده‌ای در برابر بروز خشونت‌های رفتاری ایفا می‌کند (Coalter, 2007, p.85). نوربرت الیاس (۱۹۹۸) معتقد است که ورزش به مردم اجازه می‌دهد هیجان کامل از تقلای بدون خطر و ریسک را تجربه کنند. با وجود این، ورزش شکل مسالمت‌آمیزی است که به شکلی روشمند به نظم درآمده و برای تخلیه خشونت به رسمیت شناخته شده است (ذکایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹). در این پژوهش، «گرایش به ورزش» به معنای مشارکت مستمر و داوطلبانه فرد در فعالیت‌های ورزشی سازمان‌یافته یا منظم است که با هدف ارتقای سلامت، تعاملات اجتماعی و پایبندی به قواعد انجام می‌شود (Coakley, 2017, p. 145). ورزش فراتر از یک

رقابت فیزیکی، الهام‌بخش است، فرهنگ‌ها را به هم نزدیک می‌کند و می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را پر کند و شبکه‌ای از هنجارهای مشروع را در دل خود جای داده است.

۲-۳. کنترل اجتماعی

در این پژوهش، کنترل اجتماعی به مجموعه سازوکارهای رسمی و غیررسمی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور به هنجارهای اجتماعی، احتمال گرایش افراد به رفتارهای انحرافی و خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهد. بر اساس نظریه هیرشی، هرچه پیوند فرد با خانواده، مدرسه، گروه‌های اجتماعی و نهادهایی مانند ورزش مستحکم‌تر باشد، میزان خودکنترلی افزایش‌یافته و احتمال ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد (Hirschi, 1969, pp. 16–26). همچنین، «کنترل اجتماعی» به مجموعه پیوندها، تعهدات، باورها و نظارت‌های رسمی و غیررسمی گفته می‌شود که افراد را به رعایت هنجارهای اجتماعی و پرهیز از رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد.

۳. تبیین نقش ورزش در مهار خشونت بر اساس مکاتب جرم‌شناختی

در مکتب بیولوژیکی و روان‌کاوی، ورزش به عنوان مکانیسم «تخلیه انرژی» عمل کرده و انرژی پرخاشگرانه نهفته را به فعالیت‌های سالم و سازمان‌یافته هدایت می‌کند. از دیدگاه نظریه کنترل اجتماعی، ورزش با تقویت پیوندهای اجتماعی و اشغال وقت فرد (حضور در محیط‌های نظارت‌شده)، فرصت و انگیزه وقوع خشونت و جرم را کاهش می‌دهد. همچنین جرم‌شناسی یادگیری اجتماعی معتقد است که ورزش با نهادینه‌سازی انضباط و رعایت قوانین، الگوهای رفتاری سازگارانه را جایگزین الگوهای پرخاشگرانه می‌سازد.

۳-۱. رویکرد انتخاب عقلانی و هزینه-فایده: ورزش به‌عنوان افزایش‌دهنده «هزینه فرصت» ارتکاب خشونت

از منظر اقتصاد جرم، مجرم پیش از ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز، منافع و هزینه‌های آن را می‌سنجد. ورزش با بهبود سرمایه انسانی، افزایش تماس‌های اجتماعی و توسعه منافع جدید، «هزینه فرصت» ارتکاب جرم را به‌شدت افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند به کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جرم و جنایت منجر شود و به بهبود کیفیت زندگی افراد کمک کند؛ بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهشی، ورزش یک استراتژی مؤثر برای ایجاد جامعه امن‌تر است (Dilnoza, 2023, p. 152). همچنین از منظر رویکرد انتخاب عقلانی، افراد پیش از اقدام به خشونت، نوعی تحلیل هزینه- فایده در ذهن خود انجام می‌دهند. در این چارچوب، ورزش به‌عنوان یک فعالیت ساختاریافته و مشروع، تعادل این

محاسبات را به نفع مهار رفتار تغییر می‌دهد؛ زیرا صرف زمان و انرژی برای ورزش، مستقیماً «هزینه فرصت» ارتکاب خشونت را برای فرد افزایش می‌دهد. پایه‌گذاران این نظریه تأکید دارند که مجرمان نیز مانند افراد عادی، زمان خود را بین فعالیت‌های مشروع و غیرمشروع توزیع می‌کنند و زمانی‌که فرد بداند درگیری در یک نزاع خیابانی باعث از دست رفتن دستاوردها، جایگاه تیمی و فرصت‌های ورزشیِ او می‌شود، عقلانیت او مانع از بروز پرخاشگری شده و خشونت به یک انتخاب نامطلوب و بسیار پرهزینه تبدیل می‌گردد (Cornish & Clarke, 1986, p. 12).

۳-۲. نظریه فعالیت‌های روزمره: مداخله ورزش در مثلث مجرمانه (زمان، مکان، نظارت)

بر اساس این نظریه، جرم نیازمند تلاقی مجرم انگیخته، هدف مناسب و عدم حضور نگهبان است. ورزش به‌عنوان یک جایگزین مثبت برای فعالیت‌های منفی و خطرناک عمل کرده و جوانان را از محیط‌های پرخطر دور می‌کند و نقش پیشگیرانه در مقابله با جرم دارد (Paudel et al, 2021, p. 1). بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره بروز جرم نیازمند هم‌زمانی سه عنصر در یک‌زمان و مکان مشخص است: مجرمِ انگیخته، هدف مناسب و فقدان نگهبان توانمند. گرایش به ورزش، این مثلث مجرمانه را به شکلی ساختاری منحل می‌سازد. از یک‌سو، حضور در برنامه‌های ورزشی منظم، زمان آزاد افراد را اشغال کرده و آن‌ها را از معابر و زمان‌های مستعد بروز خشونت دور می‌کند. از سوی دیگر، محیط‌های ورزشی به‌مثابه کانال‌های نظارتی عمل می‌کنند؛ حضور مربیان، داوران و حتی هم‌تیمی‌ها به‌عنوان «نگهبانان غیررسمی توانمند»، از تقابل مستقیم افراد با محرک‌های پرخاشگرانه جلوگیری کرده و به این ترتیب، مانع از همگرایی عناصر لازم برای شکل‌گیری یک درگیری خشن می‌شوند (Felson, 2008, p. 34). مطالعه لو و همکاران (۲۰۲٤) بر روی بومیان استرالیا نشان داد که در طول فصول ورزشی (مانند فوتبال استرالیایی) به دلیل سازمان‌یافته بودن زمان، مکان و حضور نگهبانان غیررسمی، مقدار بزهکاری در روستاها و مناطق دورافتاده به طرز مؤثری کاهش می‌یابد (Lou et al, 2024, p. 342).

۳-۳. نظریه‌های کنترل اجتماعی (هیرشی): ایجاد «سهام در انطباق» و تقویت پیوندهای صمیمانه

نظریه‌های کنترل بر این فرضیه هستند که انگیزه انحراف در میان مردم نسبتاً ثابت است. از این‌رو مردم مکرراً رفتارهای ضداجتماعی خواهند داشت مگر این‌که آموزش‌دیده باشند که به این شکل عمل نکنند. برخی هرگز ارتباط و پیوندی مهم با دیگران برقرار نمی‌کنند؛ بنابراین کنترل‌های ضروری هرگز نهادینه نمی‌شود (نیرمالا کی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۶). از منظر نظریه کنترل

اجتماعی هیرشی، افراد تا زمانی‌که پیوندهایشان با جریان اصلی جامعه مستحکم باشد، از ارتکاب انحراف بازمی‌مانند. ورزش به‌عنوان یک کانال قدرتمند اجتماعی، دقیقاً همین نقش را ایفا می‌کند. از یک‌سو، تعلق خاطر به تیم و ایجاد پیوندهای صمیمانه با مربیان و هم‌تیمی‌ها، حس دلبستگی فرد را به گروه و هنجارهای پذیرفته‌شده تقویت می‌کند. از سوی دیگر، حضور مستمر در عرصه ورزش، نوعی تعهد عمیق در فرد شکل می‌دهد که در ادبیات جرم‌شناسی دقیقاً معادل مفهوم «سهام در انطباق» است. در واقع، ورزشکار زمان، انرژی و هویت خود را برای حفظ جایگاه و دستاوردهای ورزشی سرمایه‌گذاری کرده است و آگاهی از اینکه بروز خشونت و درگیری می‌تواند این سرمایه ارزشمند را به خطر بیندازد، به‌عنوان یک بازدارنده درونیِ قدرتمند عمل کرده و مانع از هنجارشکنی می‌شود(Hirschi, 1969, p. 131). هیرشی (۱۹۶۹) معتقد است که افراد در طول زندگی زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره، وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌گردد. افراد بیکار وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند. پس فراهم بودن تسهیلات ورزشی و شرکت در فعالیت‌های حرکتی موجب کاهش کج‌رفتاری می‌شود. در واقع شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، ساعت‌ها اوقات فراغت جوانان را پر می‌کند، بنابراین آنها وقت کمتری جهت درگیری در فعالیت‌های ضداجتماعی و خشونت‌های رفتاری دارند (بخارایی، ۱۳۸٦، ص ۲۳۵). برخی پژوهشگران با آزمون تجربی این نظریه دریافتند افزایش مشغولیت‌های ورزشی، میزان بزهکاری و نابهنجاری‌های رفتاری را کاهش می‌دهد (علی‌وردی‌نیا و آرمان‌مهر، ۱۳۸٦، ص ۱۳۳). همچنین برخی اثبات کردند ورزش با کاهش اثر طرد اجتماعی، از بزهکاری جوانان جلوگیری می‌کند (قهفرخی و رشیدلمیر، ۱۳۹٦، ص ۹).

۳-٤. نظریه فشار (آگنیو): ورزش به‌عنوان راهبرد مقابله‌ای قانونی در برابر فشارهای مجرمانه‌ساز

بر اساس نظریه فشار عمومی آگنیو، مواجهه افراد با استرس‌ها و فشارهای ناراحت‌کننده نظیر شکست در دستیابی به اهداف یا تجربه رویدادهای منفی، منجر به شکل‌گیری هیجانات منفی به‌ویژه «خشم» در آن‌ها می‌شود. اگر فرد فاقد راهبردهای مقابله‌ای مناسب باشد، این خشم به شکل خشونت‌های رفتاری بروز خواهد یافت. در این میان، گرایش به ورزش دقیقاً به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای «قانونی و سازنده» عمل می‌کند. فعالیت ورزشی منظم از طریق تخلیه فیزیکی تنش‌ها، کاهش استرس و هدایت انرژی ناشی از فشار به یک مسیر مشروع، نقش یک مکانیزم تنظیم‌کننده را ایفا می‌کند. به این ترتیب، ورزش با میانجی‌گری مؤثر بین فشارهای مجرمانه‌ساز و پاسخ‌های رفتاری فرد، مانع از انباشت خشم و در نتیجه کاهش چشمگیر احتمال گرایش به واکنش‌های خشن و غیرقانونی می‌شود (Agnew, 2006, p. 65). ورزش به‌عنوان

یک راهبرد مقابله‌ای در برابر فشارهای منفی (استرس شغلی، افسردگی، فشارهای اقتصادی) عمل می‌کند. ورزش از طریق مکانیزم‌های زیستی نظیر افزایش نورون زایی، تنظیم تعادل هورمونی، بهبود عملکرد قشر پیشانی و افزایش ترشح ناقل‌های عصبی مانند سروتونین و اندروفین، به تنظیم هیجانات و کاهش استرس کمک می‌کند (Marwat et al, 2022, p. 59). این عوامل می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در کاهش پرخاشگری و خشونت رفتاری مؤثر باشند.

۳-۵. نظریه برچسب‌زنی (بکر): جایگزینی «برچسب ورزشی» به‌جای «برچسب اراذل‌وباش»

ورزش با «اثبات هویت» جدید و ترویج ارزش‌های اجتماعی، برچسب منفی مجرمانه را می‌زداید. برخی پژوهشگران نشان می‌دهند ورزش با رشد اعتمادبه‌نفس، تخلیه عقده‌های درونی و تمایلات سرکوب‌شده، نگرش منفی به خود و دیگران را تغییر داده و زمینه سازش، همکاری و مشارکت صحیح در ارتباطات سالم اجتماعی (خارج از هویت اراذل‌وباش) را فراهم می‌آورد (Babadi, 2019, p. 37). نظریه برچسب‌زنی[1] بیان‌کننده این موضوع است که زمانی‌که جوانان با عنوان بزهکار شناخته شوند و برچسب بزهکار را بخورند احتمال اینکه عمل مجرمانه بیشتری انجام بدهند، وجود دارد. این ایده می‌گوید که زمانی‌که شخصی برچسب بزهکار را می‌خورد ممکن است خودش این نقش را بپذیرد و امکان اینکه با افرادی که برچسب‌های مشابه خورده‌اند جمع شود و ارتباط بگیرد بسیار زیاد می‌شود (نیرمالا کی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۶).

۳-۶. سایر رهیافت‌های تکمیلی (پیوند افتراقی، انرژی مازاد و محرک‌جویی)

برخی معتقداند که رفتار انحرافی به‌دلیل معاشرت با افراد منحرف است. دور بودن از دوستان ناباب و معاشرت با افراد سالم در فعالیت‌های ورزشی باعث کنترل رفتارهای انحرافی می‌گردد (فتحی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱). پژوهشگرانی نیز ورزش را کاهنده تنش و روشی سالم برای تخلیه انرژی مازاد می‌داند (انورالخولی، ۱۳۹۷، ص ۶۶). از سوی دیگر، نظریه رفتار محرک‌جویی بیان می‌دارد بزهکاری نتیجه نیاز شدید به محرک است و ورزش با فراهم کردن محیط‌های با محرک بالا، جانشین مفیدی برای بزهکاری است (رضوی فرد، ۱۴۰۳، ص ۲۳).

۴. تحلیل سازوکارهای جرم‌زُدایی ورزش

ورزش با اشغالِ اوقات فراغت و ایجاد «درگیری مشروع»، فرصت‌های لازم برای ارتکاب بزه را کاهش داده و فرد را از محیط‌های جرم‌زا دور نگه می‌دارد. از طریق نهادینه‌سازی انضباط،

1. Labeling Theory

احترام به قوانین و تقویت پیوندهای اجتماعی، ورزش کنترل درونی فرد را بالا برده و هنجارپذیری را افزایش می‌دهد. همچنین با ایجاد کانال‌های سالم برای تخلیه انرژی و هیجانات پرخاشگرانه، ورزش از تجمع و انفجار روانیِ منجر به خشونت جلوگیری می‌کند.

٤-١. سازوکار تخصیص زمان: انسداد زمانِ در دسترس برای کیفرخواهیِ خیابانی

ورزش با انسداد زمانِ در دسترس، مانع از هنجارشکنی می‌شود. جوانانی که درگیر فعالیت‌های جسمانی هستند، فرصت بسیار کمتری برای درگیری در فعالیت‌های ضداجتماعی دارند (Alexandru & Lorand, 2015, p. 180). مشارکت ورزشی جوانان را از محیط‌های پر خطر دور کرده و به‌عنوان یک جایگزین مثبت برای فعالیت‌های منفی عمل می‌کند (Paudel et al, 2021, p. 1). مطالعه لو و همکاران بر روی بومیان استرالیا نشان داد در طی فصول ورزشی به‌خصوص در طول انجام فوتبال استرالیایی، مقدار بزهکاری در روستاها به طرز مؤثری کاهش یافته است (Lou et al, 2024, p. 342). فراتر از مکاتب کلاسیک، رهیافت‌های تکمیلی توانمندی ورزش در مهار خشونت را از زوایای روانی–اجتماعی دیگری روشن می‌سازند. از منظر ایده «پیوند افتراقی»، محیط ورزشی شبکه‌های ارتباطی فرد را دگرگون ساخته و او را از معاشرت با الگوهای مجرمانه دور کرده، به‌جای آن با گروه همتایان دارای ارزش‌های مشروع پیوند می‌زند. همزمان، بر اساس نظریه «انرژی مازاد»، فعالیت‌های ورزشیِ ساختاریافته، انرژی فیزیکی و تنش‌های درونی را به شکلی قانونی تخلیه کرده و مانع از انباشت و انفجار آن‌ها در قالب رفتارهای خشن می‌شوند. افزون بر این، برای افرادی که از درون به‌شدت نیازمند «محرک‌جویی» و هیجان هستند، ورزش یک بستر امن و کنترل‌شده فراهم می‌آورد تا نیازهای روانی خود را بدون توسل به نزاع‌های خیابانی و خشونت‌آمیز ارضا نمایند (Coakley, 2017, p. 150).

٤-٢. سازوکار تغییر میدانِ تعامل: انتقال از «فضای جرم‌زا» به «میدان بازیِ منظم»

یکی از سازوکارهای کلیدی جرم‌زدایی ورزش، تغییر ماهیت میدانِ تعامل فردی است. در فضاهای جرم‌زای شهری، تعاملات اغلب در شرایط نامشخص، بدون نظارت و در حضور محرک‌های متناقض شکل می‌گیرند که زمینه‌ساز سوءتفاهم و درگیری‌های کلامی و فیزیکی است، اما ورزش، فرد را از این بستر خام و آسیب‌پذیر خارج کرده و به یک «میدان بازیِ منظم» منتقل می‌کند. در این میدان جدید، تعاملات افراد دیگر تصادفی و بی‌قاعده نیستند، بلکه در چارچوبی صریح از قوانین، زمان‌بندی‌های مشخص و زیر نظر مراجع نظارتی (مانند داوران یا مربیان) انجام می‌پذیرند. این جابه‌جایی مکانی و ساختاری، به شکلی بنیادین پویاییِ روابط

را تغییر داده و از طریق ایجاد یک نظم مصنوعی و پذیرفته‌شده، فضای بالقوه خشن را به یک بستر امن و کنترل‌شده برای رقابت سالم تبدیل می‌کند (Nichols, 2007, p. 64). ورزش تعاملات را از فضای جرم‌زای خیابان به میدان بازی منظم منتقل می‌کند. این تغییر میدان، تقویت هنجارهای گروهی و ایجاد پیوندهای اجتماعی مثبت را به‌دنبال دارد که به تثبیت اثرات مثبت در بلندمدت کمک می‌کند. میک و لوئیس بیان نمودند که ورزش در ندامتگاه‌ها علاوه بر مزایای جسمانی، منجر به کاهش خشونت‌های رفتاری و بهبود تعاملات اجتماعی می‌شود (Meek & Lewis, 2014, p.151).

٤-٣. سازوکار پذیرش قانون: درونی‌سازی پذیرش از تصمیم مرجع (داور) به‌عنوان الگوی پذیرش از حاکمیت

از منظر نظریه عدالت رویه‌ای، یکی از عمیق‌ترین سازوکارهای ورزش در جرم‌زدایی، پرورش فرهنگ پذیرش قانون است. در میدان بازی، داور تجسم یک مرجع تصمیم‌گیرنده است و ورزشکار یاد می‌گیرد که حتی در صورت مخالفت درونی با تصمیمات او، به‌جای بروز واکنش خشن، حکم وی را بپذیرد. این فرایند، شکل‌گیری «درونی‌سازی پذیرش از تصمیم مرجع» را کلید می‌زند؛ جایی‌که افراد به‌جای تکیه بر خودگویی و خشونت برای احقاق حق، به بی‌طرفی و اقتدار ساختار تصمیم‌ساز اعتماد می‌کنند (Tyler, 2006, p. 63). این الگوی رفتاری که در محیط ورزش تمرین می‌شود، به‌تدریج تعمیم‌یافته و به‌عنوان یک پیش‌نمونه روانی برای «پذیرش از حاکمیت» عمل می‌کند. در نتیجه، فرد در فضای اجتماعی نیز برخوردها و تصمیمات ضابطه‌های قانونی را نه به‌عنوان یک تهدید، بلکه به‌عنوان یک روال مشروع که باید با آرامش پذیرفته شود، تلقی می‌نماید. چارچوب رقابتی-ورزشی با مجموعه آیین‌ها و مقررات، شرایطی فراهم می‌آورد که شکست و پیروزی فروتنانه پذیرفته شود. این امر مفاهیمی مربوط به فرهنگ ورزش مانند بازی شرافت‌مندانه و روح ورزشی را شکل داده و الگوی پذیرش قانون و مقررات حاکمیتی را در فرد نهادینه می‌سازد (آقاپور، ۱۳٦۸، ص ۱۷). همین اندیشه است که ماهیت واقعیت ورزش را بازمی‌تاباند.

۵. رویکرد انتقادی: پارادوکس‌های مجرمانه شدن در نهاد ورزش

رویکرد انتقادی با زیر سوال بردن فرضیه مهار جرم، بر این باور است که ساختار رقابتی و سودمحور ورزش می‌تواند با عادی‌سازی خشونت و ترویج تفکر «پیروزی به هر قیمت»، بستری برای تولید انواع انحرافات باشد. در این پارادوکس، ورزش با گذشت از هنجارهای اخلاقی در جهت کسب موفقیت، رفتارهایی مانند دوپینگ، خشونت ورزشی و فساد مالی را

توجیه و نهادینه می‌کند. بنابراین، نهاد ورزش به جای بازدارندگی، می‌تواند با ارزش‌گذاری افراطی بر برد و قدرت، رفتارهای مجرمانه و پرخاشگرانه را بازتولید و تشویق نماید.

۵-۱. محدودیت‌های موقتی سازوکار ورزش (چالش پایداری)

رویکرد انتقادی در جرم‌شناسی ورزش، با عبور از نگاه‌های خوش‌بینانه، به‌خوبی نشان می‌دهد که سازوکارهای کنترلی نهاد ورزش دارای محدودیت‌های موقتی هستند. گرچه فضای ساختاریافته ورزش در کوتاه‌مدت می‌تواند رفتار خشونت‌آمیز را مهار کند، اما این انضباط بیشتر وابسته به نظارت بیرونی و شرایط ویژه محیط باشگاه است تا تغییر بنیادین در شخصیت فرد. چالش پایداری دقیقاً در همین نقطه نمایان می‌گردد؛ چرا که درونی‌سازی هنجارهای مثبت در میدان بازی، غالباً پس از خروج فرد از آن محیط امن و پایان یافتن دوره‌های فعال ورزشی فروکش می‌کند. در نتیجه، در غیاب ساختارهای حمایتیِ بلندمدت، پوشش ظاهریِ این مهار از بین رفته و فرد در برابر اولین فشارهای اجتماعیِ بیرون از زمین ورزش، مجدداً مستعد بازگشت به الگوهای پرخاشگرانه‌اش خواهد بود (Young, 2012, p. 135). با وجود مزایای متعدد، شواهد نشان می‌دهد اثرات ورزش بر کاهش جرم ممکن است موقتی باشد. تحقیق لو و همکاران بر روی بومیان استرالیا نشان داد در پایان فصل ورزشی، با از بین رفتن چارچوب سازمانی، رفتارهای ضداجتماعی دوباره رواج می‌یابند. در حقیقت چارچوب رقابتی به سبب مجموعه آیین‌ها و مقررات، شرایط معنوی و روانی فراهم می‌آورد که سبب می‌گردد شکست و پیروزی فروتنانه پذیرفته شود. چه فعالیت‌های ورزشی به ما می‌آموزد که ممکن است این بار شکست بخوریم، اما احتمال پیروزی در مسابقات آینده وجود دارد. این پارادوکس نشان می‌دهد ورزش باید به‌صورت مستمر و ماندگار در سبک زندگی ادغام شود، در غیر این صورت اثر بازدارندگی آن از بین می‌رود (Lou et al, 2024, p. 342).

۵-۲. موانع ساختاری در محیط‌های اصلاحی

رویکرد انتقادی در بررسی کارکرد ورزش در محیط‌های اصلاحی، به‌شدت بر موانع ساختاریِ ذاتیِ این فضاها تأکید می‌ورزد. نهادهایی نظیر زندان، ذاتاً بر پایه منطق امنیتی، انزوا و نظارت خشک طراحی شده‌اند و این اصول با روحِ رهایی و رشد شخصیِ ورزش در تضاد آشکار قرار دارند. اولویت یافتن کنترل بر اهداف تربیتی، به همراه محدودیت‌های فیزیکی مانند نبود زیرساخت‌های استاندارد، ورزش را در این محیط‌ها به یک ابزار صرفاً مدیریت‌کنندهٔ رفتار تقلیل می‌دهد. در چنین شرایطی، برنامه‌های ورزشی نمی‌توانند به‌صورت ریشه‌ای خشونت‌های درون‌نهادی را کاهش دهند؛ زیرا به‌جای ایجاد تحول در شخصیت بزهکاران، صرفاً در خدمت

تثبیت همان ساختار سرکوبگر و انضباطیِ موجود عمل می‌کنند (Meek, 2014, p. 75). کاربست ورزش برای کنترل خشونت در زندان‌ها بدون توجه به موانع ساختاری با شکست مواجه می‌شود. میک و لوئیس در بررسی ندامتگاه‌های انگلستان اشاره می‌کنند که اگرچه ورزش مزایای روانی و جسمانی دارد، اما فراهم کردن زیرساخت‌ها و غلبه بر موانع سازمانی (به‌ویژه برای زنان زندانی) نیازمند سیاست‌گذاری دقیق‌تری است (Meek & Lewis, 2014, p. 151).

۵-۳. نظریه یا چارچوب تحلیلی جدید

نوآوری این پژوهش در ارائه یک نظریه جرم‌شناختی جدید نیست، بلکه در تلفیق نظام‌مند نظریه‌های کنترل اجتماعی، فشار، فعالیت‌های روزمره، انتخاب عقلانی و برچسب‌زنی در قالب یک مدل مفهومی واحد برای تبیین سازوکارهای اثرگذاری گرایش به ورزش بر کاهش خشونت‌های رفتاری است. در اغلب پژوهش‌های پیشین، این نظریه‌ها به‌صورت مستقل برای تبیین رفتارهای خشونت‌آمیز به‌کار رفته‌اند، در حالی‌که پژوهش حاضر با نشان دادن نقش متغیرهای میانجی مانند خودکنترلی، هنجارپذیری، پیوندهای اجتماعی و کاهش فشارهای روانی، چارچوبی تحلیلی برای تبیین رابطه غیرمستقیم میان گرایش به ورزش و پیشگیری اجتماعی از خشونت ارائه می‌کند. از این‌رو، نوآوری پژوهش در یکپارچه‌سازی نظریه‌های جرم‌شناختی و ارائه یک مدل تحلیلی میانجی‌محور است، نه صرف گردآوری دیدگاه‌های موجود استفاده شده است.

بررسی تطبیقی نظریه‌های جرم‌شناختی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این رویکردها به‌تنهایی قادر به تبیین همه ابعاد رابطه میان گرایش به ورزش و کاهش خشونت‌های رفتاری نیستند. نظریه کنترل اجتماعی بیشتر بر نقش پیوندهای اجتماعی و درونی‌سازی هنجارها تأکید دارد، در حالی که نظریه فشار، کاهش خشونت را نتیجه مدیریت هیجان‌ها و فشارهای روانی می‌داند. از سوی دیگر، نظریه فعالیت‌های روزمره بر تغییر فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش نظارت غیررسمی متمرکز است و نظریه انتخاب عقلانی نیز رفتار فرد را حاصل ارزیابی هزینه و فایده تلقی می‌کند؛ بنابراین، این نظریه‌ها بیش از آنکه رقیب یکدیگر باشند، دارای کارکردی مکمل هستند و تلفیق آن‌ها می‌تواند چارچوب تحلیلی جامع‌تری برای تبیین سازوکارهای جرم‌زدای ورزش فراهم سازد. در عین حال، باید توجه داشت که میزان کارآمدی هر یک از این سازوکارها به عواملی مانند نوع ورزش، ویژگی‌های فردی، محیط اجتماعی و استمرار مشارکت ورزشی وابسته است؛ از این‌رو، تحلیل جرم‌شناختی این پدیده مستلزم رویکردی

چندعاملی و میان‌رشته‌ای است (Agnew, 2006, pp. 61–؛ Hirschi, 1969, pp. 16–34؛ Cornish & Clarke, 1986, pp. 12–18؛ Felson, 2008, pp. 34–41).

٦. کاربست جرم‌شناختی: تدوین سیاست جنایی مبتنی بر ورزش

وقتی ورزش از یک سرگرمی ساده به یک پناهگاه امن تبدیل می‌شود، سیاست جنایی ما از مجازات‌های سرد به التیام زخم‌های انسانی تغییر مسیر می‌دهد. در این رویکرد، زمین بازی جایگزین خیابان می‌شود تا خشم و انزوای درونِ افراد در معرض خطر، به همدلی و احساس تعلق به یک خانواده بزرگ‌تر تبدیل گردد. این سیاست پیشگیرانه، ریشه‌های ناامیدی را با تزریق دیسیپلین، مسئولیت‌پذیری و تمرینِ زندگی قانونمند در وجودشان می‌شوید و از زندان رفتنِ تن‌ها جلوگیری می‌کند. هدف غایی، بازگرداندن عزت نفس و بازپروری روحِ خستهٔ کسانی است که هویت گمشدهٔ خود را در تمرینات تیمی و تلاش‌های جمعی دوباره می‌یابند . در واقع، ما با ورزش نه جرمی را پنهان می‌کنیم، بلکه انسانی‌تر شدنِ جامعه را رقم می‌زنیم تا به‌جای حبسِ جسم، روحِ آدمی را به‌سوی نور و امید آزاد سازیم.

اگرچه برخی مطالعات، استفاده از برنامه‌های ورزشی را در فرایند بازپروری و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مفید ارزیابی کرده‌اند، اما این برنامه‌ها عمدتاً به‌عنوان ابزارهای مکمل اصلاح و بازپروری معرفی شده‌اند و نه جایگزین مستقل مجازات حبس. اجرای چنین سیاستی مستلزم وجود مبانی قانونی، ارزیابی‌های تجربی، تناسب با نوع جرم و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی در نظام عدالت کیفری است (Meek, 2014, pp. 181–184)؛ بنابراین بهره‌گیری از ظرفیت‌های ورزشی در سیاست جنایی باید در چارچوب قوانین کیفری، با رعایت اصل فردی‌کردن مجازات‌ها و بر پایه شواهد علمی صورت گیرد و نمی‌توان بدون بررسی ابعاد حقوقی و اجرایی، آن را به‌عنوان جایگزینی عمومی برای مجازات حبس پیشنهاد کرد.

٦-١. پیشگیری وضعی جرم و شاخص‌های پیشگیری اجتماعی

در این پژوهش، پیشگیری اجتماعی از جرم مجموعه اقداماتی است که با اصلاح شرایط اجتماعی، زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد (Tilley, 2009, p. 45). بر اساس متون بررسی شده، سیاست‌گذاری ورزشی باید بر چهار شاخص عملیاتی متمرکز شود:

١) فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی: برنامه‌های آموزشی در مدارس و محلات برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و آگاهی قانونی نوجوانان و جوانان از طریق ورزش (چشمه سیماب، ١٤٠٤، ص ٣).

۲) مشارکت اجتماعی و مدنی: میزان مشارکت شهروندان در انجمن‌ها، شوراهای محله و فعالیت‌های داوطلبانه پیشگیری از جرم با استفاده از ظرفیت باشگاه‌های ورزشی (Eurobarometer, 2023, p. 22).

۳) حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی: دسترسی به تسهیلات ورزشی به‌عنوان عاملی برای کاهش فقر و انزوای زمینه‌ساز جرم (GAMAAN, 2023, p. 15).

٤) نظارت و کنترل غیررسمی اجتماع: تقویت نقش مربیان و باشگاه‌ها به‌عنوان نگهبانان غیررسمی اجتماع برای نظارت بر رفتار جوانان (Tyler & Huo, 2002, p. 57).

٦-۲. عدالت ترمیمی و بدیل‌های مجازات

در پارادایم عدالت ترمیمی، رویکرد نظام عدالت کیفری از مجازات‌های سلب آزادی و اعمال رنج به سمت جبران زیان و بازاندیشی بزهکار تغییر مسیر می‌دهد. این تغییر فلسفی، بستر تئوریک بسیار مناسبی برای استفاده از ورزش به‌عنوان یکی از بدیل‌های مجازات فراهم می‌آورد. وقتی هدف از واکنش به جرم، صرفاً تنبیه نباشد، برنامه‌های ورزشی از یک ابزار تفریحی فراتر رفته و به‌عنوان یک مکانیسم ترمیمی عمل می‌کنند. ورزش در این چارچوب، به‌جای حبس فیزیکی، به مجرم این فرصت را می‌دهد که در یک محیط مشارکتی و امن، مهارت‌های کنترل خشم و تعامل اجتماعی خود را بازسازی کند. از این‌رو، در سیاست‌گذاری جنایی، جایگزینی مجازات‌های سنتی با طرح‌های ورزشی-ترمیمی، دقیقاً متناسب با اهداف عدالت ترمیمی بوده و راهکاری انسانی برای کاهش خشونت‌های رفتاریِ مجرمان محسوب می‌شود (Johnstone, 2002, p. 32). بروسنان (۲۰۱۹، ص ۱) در بررسیِ انگلستان نشان داد که مشارکت ورزشی با کاهش جرایم خشونت‌آمیز مرتبط است؛ بنابراین، می‌توان از برنامه‌های ورزشی ساختاریافته به‌عنوان ابزاری برای ترمیم آسیب‌های اجتماعی بزهکاران و جایگزینی مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت استفاده کرد. دیلنوزا (۲۰۲۳، ص ۱۵۲) نیز معتقد است دولت‌ها و جوامع محلی باید به‌طور جدی به توسعه برنامه‌های ورزشی به‌عنوان استراتژی مؤثر در پیشگیری از جرم بپردازند.

٦-۳. حقوق قضاوت‌درمانی[1] در سیاست جنایی

رویکرد حقوق قضاوت‌درمانی، پارادایمی نوین در سیاست جنایی است که برخلاف رویکردهای صرفاً مجازات‌گرا، به بررسی آثار روان‌شناختیِ قانون بر بزهکار می‌پردازد. در این چارچوب، فرد مجرم دیگر تنها یک سوژه مستحق کیفر نیست، بلکه انسانی است که نظام عدالت کیفری موظف است با کاهش آسیب‌های ثانویهٔ محاکم، به بهبود و سلامت روان او

1. Therapeutic Jurisprudence

کمک کند. حق قضاوت‌درمانی در سیاست جنایی ایجاب می‌کند که رویه‌های قضایی از ابزارهای سلب‌کننده و دردآور، به سمت مداخلات بازتوانی‌گر و سلامت‌محور تغییر مسیر دهند. در همین راستا، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اصلاحیِ ورزش و جایگزینی آن با برخی مجازات‌های سنتی، دقیقاً تجلی همین حق است؛ زیرا ورزش به‌عنوان یک مداخله ساختاریافته و غیرخشن، به‌جای تحمیل رنج، به ترمیم خودکنترلیِ فرد و کاهش ریشه‌ایِ خشونت‌های رفتاری‌اش کمک می‌کند (Wexler, 1996, p. 35). از منظر عصب‌شناختی، درک مکانیسم‌های زیستی خشونت چارچوب جدیدی برای بازپروری فراهم می‌آورد (Reddy, 2025, p. 93). ورزش می‌تواند در محیط‌های کیفری به‌عنوان یک مداخله روان‌شناختی–حقوقی برای کاهش پرخاشگری زندانیان به‌کار رود (Hall & Poirier, 2021, p. 284). ارائه خدمات روان‌شناختی مبتنی بر ورزش در تنظیمات قانونی، به کاهش نقص‌های عصبیِ منجر به جرم کمک می‌کند (Hunter et al, 2022, p. 609).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جرم‌شناختی نقش گرایش به ورزش در کاهش خشونت‌های رفتاری و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی–تحلیلی انجام شد. بررسی ادبیات نظری و مطالعات پیشین نشان داد که رابطه میان گرایش به ورزش و کاهش خشونت‌های رفتاری را نمی‌توان صرفاً به آثار جسمانی فعالیت بدنی محدود کرد، بلکه این رابطه در چارچوب مجموعه‌ای از سازوکارهای روان‌شناختی، اجتماعی و جرم‌شناختی قابل تبیین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به ورزش از طریق افزایش خودکنترلی، تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش فشارها و تنش‌های روانی، درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی، تقویت انضباط فردی و افزایش احساس تعلق اجتماعی، می‌تواند زمینه بروز رفتارهای خشونت‌آمیز را کاهش دهد. بر این اساس، مدل مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش بیانگر آن است که تأثیر ورزش بر کاهش خشونت، عمدتاً ماهیتی غیرمستقیم دارد و از رهگذر سازوکارهای میانجی تحقق می‌یابد.

تحلیل یافته‌ها در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی نیز مؤید آن است که هر یک از این نظریه‌ها بخشی از کارکردهای پیشگیرانه ورزش را تبیین می‌کنند. نظریه کنترل اجتماعی، نقش ورزش را در تقویت دلبستگی، تعهد و مشارکت اجتماعی و در نتیجه افزایش خودکنترلی توضیح می‌دهد. نظریه فشار، ورزش را به‌عنوان یکی از راهبردهای مشروع برای مدیریت فشارهای روانی و هیجانات منفی معرفی می‌کند و نظریه فعالیت‌های روزمره نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، با سازمان‌دهی زمان، تغییر محیط‌های تعامل و افزایش نظارت غیررسمی، فرصت‌های ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهد. همچنین نظریه

انتخاب عقلانی بیانگر آن است که گسترش فعالیت‌های ورزشی می‌تواند هزینه‌های از دست دادن موقعیت‌های فردی و اجتماعی را افزایش داده و از این طریق، انگیزه ورود به رفتارهای خشونت‌آمیز را کاهش دهد. در کنار این موارد، نظریه برچسب‌زنی نیز نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند در شکل‌گیری هویت اجتماعی مثبت و فاصله گرفتن از هویت‌های انحرافی نقش داشته باشد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که کارکرد پیشگیرانه ورزش تنها به ویژگی‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز قابل مشاهده است. محیط‌های ورزشی، با ایجاد روابط مبتنی بر همکاری، احترام به قواعد، پذیرش داوری، مسئولیت‌پذیری و تعامل گروهی، زمینه تقویت هنجارهای اجتماعی و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه را فراهم می‌کنند. در چنین شرایطی، ورزش می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری اجتماعی از جرم، در کنار سایر نهادهای اجتماعی، در کاهش برخی عوامل زمینه‌ساز خشونت مؤثر باشد. از سوی دیگر، بررسی سیاست‌های جنایی مبتنی بر ورزش نشان داد که استفاده از ظرفیت باشگاه‌ها، مدارس، مراکز فرهنگی و نهادهای محلی، همراه با تقویت نقش مربیان و سایر ناظران اجتماعی، می‌تواند زمینه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه مؤثرتری را فراهم سازد. همچنین، بهره‌گیری از برنامه‌های ورزشی در چارچوب عدالت ترمیمی و رویکردهای بازپرورانه، ظرفیت مناسبی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، کنترل هیجان و کاهش احتمال تکرار رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم می‌آورد.

در عین حال، یافته‌های این پژوهش از برخی محدودیت‌های اثرگذاری ورزش نیز حکایت دارد. بررسی رویکردهای انتقادی نشان داد که آثار مثبت ورزش، به‌ویژه در زمینه کاهش خشونت‌های رفتاری، لزوماً پایدار و مستقل از سایر شرایط اجتماعی نیست. استمرار این آثار به عواملی همچون تداوم مشارکت ورزشی، کیفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی، دسترسی عادلانه به امکانات ورزشی، حمایت خانواده و نهادهای اجتماعی و وجود زیرساخت‌های مناسب بستگی دارد. همچنین در محیط‌های اصلاحی و کیفری، تحقق اهداف بازپرورانه ورزش مستلزم رفع موانع ساختاری، فراهم بودن امکانات لازم و طراحی برنامه‌های هدفمند است؛ زیرا در غیر این صورت، فعالیت‌های ورزشی به‌تنهایی قادر به تحقق اهداف پیشگیرانه نخواهند بود. در مقابل با این حال، برخی مطالعات نشان داده‌اند که اثر ورزش بر کاهش خشونت، یکنواخت و مستقل از شرایط نیست؛ به‌گونه‌ای که نوع ورزش (به‌ویژه ورزش‌های پربرخورد و رقابتی در مقایسه با ورزش‌های کم‌برخورد)، سطح رقابت، فرهنگ حاکم بر تیم، تأکید بر پیروزی به هر قیمت، رفتار مربیان و محیط اجتماعی ورزش می‌توانند بر بروز یا تشدید رفتارهای پرخاشگرانه تأثیرگذار باشند؛ از این‌رو، آثار پیشگیرانه ورزش باید با توجه به

این متغیرها تفسیر شود Newman et al., 2021, pp. 380–382 ; Conway et al., 2024, pp. 1-8).

بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر از این دیدگاه حمایت می‌کند که ورزش، در کنار سایر سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مؤثر در پیشگیری اجتماعی از خشونت‌های رفتاری باشد. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن نیست که ورزش به‌تنهایی قادر به کاهش همه اشکال خشونت یا جایگزینی سایر راهبردهای پیشگیری از جرم باشد، بلکه اثربخشی آن در تعامل با مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی قابل تحقق است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه ورزش و پیشگیری از جرم، ضمن توسعه فرصت‌های مشارکت ورزشی برای گروه‌های در معرض خطر، برنامه‌های ورزشی را با آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای سلامت روان، تقویت حمایت‌های اجتماعی و سایر اقدامات پیشگیرانه تلفیق کنند تا زمینه بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت‌های ورزش در کاهش خشونت‌های رفتاری فراهم شود. با وجود آنکه بسیاری از مطالعات، وجود رابطه معنادار میان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز را گزارش کرده‌اند، شواهد موجود عمدتاً مبتنی بر مطالعات همبستگی، مشاهده‌ای یا مرور ادبیات است و به‌تنهایی برای اثبات رابطه علت و معلولی کفایت نمی‌کند(Bailey, 2006, pp. 397–400؛ Coalter, 2007, pp. 94–98).ازاین‌رو، یافته‌های این پژوهش نیز باید در چارچوب تبیین یک رابطه احتمالی و میانجی‌محور میان گرایش به ورزش و کاهش خشونت‌های رفتاری تفسیر شود، نه به‌عنوان اثبات قطعی اثر علّی ورزش. در این چارچوب، عواملی مانند خودکنترلی، سرمایه اجتماعی، محیط خانوادگی، وضعیت اقتصادی و کیفیت برنامه‌های ورزشی می‌توانند در تبیین این رابطه نقش میانجی یا تعدیل‌کننده داشته باشند و بررسی دقیق نقش هر یک، مستلزم انجام پژوهش‌های تجربی و طولی در آینده است.

منابع

- افروزه، محمدصادق، زارعیان، حسین، و کاظمی کرانی و بهلول. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۷(۱۶)، ۲۱۳-۲۳٤.
https://res.ssrc.ac.ir/article_1777.html
- انورالخولی، امین. (۱۳۹۷). *ورزش و جامعه* (حمیدرضا شیخی، مترجم؛ چاپ دوم). بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- آقاپور، سید مهدی. (۱۳٦۸). *جامعه‌شناسی ورزشی* (چاپ اول). سازمان تربیت بدنی.
- بخارایی، احمد. (۱۳۸٦). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*. انتشارات پژواک جامعه.

– چشمه سیماب، جواد. (۱٤۰٤). *دانش‌آموزان آگاه، جامعه قانونمند، نیاز به آموزش حقوق از سنین پایین*. پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران. https://civilica.com/doc/2331117

– ذهکایی، محمدحسین. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران (چاپ دوم). انتشارات آگاه.

– رضوی فرد، بهزاد. (۱٤۰۳). جرم‌شناسی جرایم و جنایات بین‌المللی، چالش‌های مطالعه جنایات بین‌المللی. دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱(۲)، ۲۳-۳۹. https://jclc.illrc.ac.ir/article_720362.html

– ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. انتشارات آوای نور.

– صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱٤۰۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) (چاپ پنجم). انتشارات سمت.

– علی‌وردی‌نیا، اکبر، و آرمان‌مهر، وجیهه. (۱۳۸٦). فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری، آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی. *پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، (۱۲)، ۱۳۳-۱٤۳. https://origin-ir.magiran.com/p658506

– فتحی، محمدجواد، و کرامتی معز، هادی. (۱٤۰۳). تحلیل حقوقی و جرم‌شناسی عذرخواهی در قبال زبان معنوی ناشی از جرم. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۲(۵)، ۱-۲٤. https://www.qacr.ir/article_722265.html

– قهفرخی، امین، و رشیدلمیر، امین. (۱۳۹٦). طرد اجتماعی، بزهکاری جوانان و مشارکت ورزشی. *پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، ۹(٤)، ۹-۱٦. https://www.sportrc.ir/article_60140.html

– کردلو، حسین، سجادی، سید احمد، رضوی، سید محمدحسین، و رمضان‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). نقش ورزش در پیشگیری از وقوع جرم. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۵(۳۲)، ۱-۲۰. https://faslname.msy.gov.ir/article_154.html

– نیرمالا. کی، گلوری. (۱٤۰۱). جرم‌شناسی (امیر احمدی، مترجم؛ چاپ اول). انتشارات انصاف و دانش.

- Agnew, J. (2006). *Pressured into Crime: An Overview of General Strain Theory* (pp. 61-69). Oxford University Press. https://philpapers.org/rec/AGNPIC

- Alexandru, M. A., & Lorand, B. (2015). Sport–a solution to the social integration of children with conduct disorders? *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180, 1297-1303. https://www.researchgate.net/

- Babadi, P. (2019). Sociological analysis of the relationship between Group sports and reduction of violence among prisoners [PhD thesis, Islamic Azad University]. https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14774.

- Bailey, R. (2006). Physical Education and Sport in Schools: A Review of Benefits and Outcomes. *Journal of School Health*, 76(8), 397–401. https://doi.org/10.1111/j.1746-1561.2006.00132.x

- Brosnan, S. (2019). The impact of sports participation on crime in England between 2012 and 2015. *Sport in Society*, 1- 12. https://doi.org/10.1080/17430437.2019.1631805

- Coakley, J. (2017). *Sports in Society: Issues and Controversies* (12th ed.). McGraw-Hill Education. https://www.researchgate.net.

- Coalter, F. (2007). *A Wider Social Role for Sport: Who's Keeping the Score?* London: Routledge.
https://www.taylorfrancis.com/
- Conway, F. N., Todaro, S. M., Lesnewich, L. M., et al. (2024). Athletes and Aggression: A Systematic Review of Physical and Verbal Off-Field Behaviors. *Aggression and Violent Behavior*, 78, 101977.
https://www.researchgate.net/
- Cornish, D. B., & Clarke, R. V. (1986). *The reasoning criminal: Rational choice perspectives on offending* (pp. 12–18). Springer-Verlag.
- Dilnoza, Y. (2023). Sports, culture and society. *American Journal Of Social Sciences And Humanity Researc*h, 3(11), 152- 163.
https://theusajournals.com/index.
- Eurobarometer. (2023). *Public Opinion in the European Union*. Brussels: European Commission.
https://europa.eu/eurobarometer/
- Felson, M. (2008). *Crime and Everyday Life* (4th ed.). Sage Publications.
https://doi.org/10.4135/9781483349299.
- Gamaan. (2023). Iranian Public Opinion Survey on Institutional Trust and Law Compliance.
https://gamaan.org/
- Hall, H. V., & Poirier, J. (Eds.). (2021). Forensic psychology and neuropsychology for criminal and civil cases. *CRC Press*, 8(2), 284-311.
https://doi.org/10.4324/9781003213307
- Himmelstein, M. S., Beaver, J. N., & Gilman, T. L. (2021). Anxiety and stress over COVID-19 pandemic associated with increased eating. *Obesity Science & Practice,* 14(4), 117-133.
https://doi.org/10.1002/osp4.576.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*. University of California Press. 16-34.
https://www.researchgate.net/
- Hunter, S., et al. (2022). Neuropsychological deficits associated with medical conditions: Implications for psychological services in criminal legal settings. *Psychological Services,* 19(4), 609- 625.
https://doi.org/10.1037/ser0000633.
- Johnstone, G. (2002). *Restorative Justice: Ideas, Values*, Debates. Willan Publishing.
https://www.researchgate.net/ .
- Lerman, A. E., Harney, J., & Sadin, M. (2022). Prisons and mental health: Violence, organizational support, and the effects of correctional work. *Criminal justice and behavior*, 49(2), 181-199.
https://www.researchgate.net/ .
- Lou, X., Ng, T. K., & Siu, O. L. (2024). Investigating the effects of Psycho-Behavioral interventions on healthy adolescents' subjective well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 19(2), 3342-355.
https://doi.org/10.1080/17439760.2023.2179934.
- Lowry, R., et al. (2021). Sports-and physical activity–related concussion and risk for youth violence. *American journal of preventive medicine,* 60(3), 352-359.
https://doi.org/10.1016/j.amepre.2020.10.018.
- Felson, M. (2008). *Routine Activity and Social Change*(pp. 34–41).
https://www.researchgate.net/
- Marwat, M. K., et al. (2022). Aggression And Violence In Sports, Its Effects On Sports Performance. *Journal of Positive School Psychology,* 6(9), 59-80.
https://journalppw.com/index. .

- Meek, R. (2014). *Sport in Prison: Exploring the Role of Physical Activity in Correctional Settings* (pp. 181–184). Routledge.
https://www.researchgate.net/ .
- Meek, R., & Lewis, G. E. (2014). Promoting well-being and desistance through sport and physical activity. *Journal Women & Criminal Justice*, 24(2), 151-172.
https://doi.org/10.1080/08974454.2013.842516.
- Newman, T. J., Magier, E., Kimiecik, C., & Burns, M. (2021). The Relationship Between Youth Sport Participation and Aggressive and Violent Behaviors: A Scoping Review of the Literature. *Journal of the Society for Social Work and Research,* 12(2), 371–389.
https://doi.org/10.1086/714421
- Nichols, G. (2007). *Sport and Crime Reduction: The Role of Sports in Tackling Youth Crime*. Routledge.
https://www.routledge.com/Sport-
- Oram, S., et al. (2022). The Lancet Psychiatry Commission on intimate partner violence and mental health. *The Lancet Psychiatry,* 9(6), 487-524.
https://www.thelancet.com.
- Parent, S., Vaillancourt-Morel, M. P., & Gillard, A. (2022). Interpersonal violence (IV) in sport and mental health outcomes in teenagers. *Journal of Sport and Social Issues,* 46(4), 323- 337.
https://doi.org/10.1177/01937235211043652.
- Paudel, S., Owen, A. J., & Smith, B. J. (2021). Socio-ecological influences of leisure-time physical activity among Nepalese adults. *BMC public health,* 21(1), 1-11.
https://doi.org/10.1186/s12889-021-11484-3.
- Reddy, K. J. (2025). *Neuropsychology of criminal responsibility. In Foundations of Criminal Forensic Neuropsychology* (pp. 93-127). Springer
https://doi.org/10.1007/978-3-031-83771-5_5.
- Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (1999). Systematic social observation of public spaces: A new look at disorder in urban neighborhoods. *American Journal of Sociology,* 105(3), 603-651.
https://doi.org/10.1086/210356
- Sharei, A., et al. (2023). The Effectiveness of Strength-Based Therapy in Improving Self-Esteem and Reducing Suicidal Thoughts. *Preventive Counseling,* 4(1), 31-44.
https://doi.org/10.22098/jpc.2023.12715.1166
- Tilley, N. (2009). *Crime Prevention.* Willan Publishing.
https://www.taylorfrancis.com/books/mono
- Tyler, T. R. (2006). *Why People Obey the Law.* Princeton University Press.
https://www.researchgate.net/
- Tyler, T. R., & Huo, Y. J. (2002). *Trust in the Law: Encouraging Public Cooperation with the Police and Courts.* Russell Sage Foundation
https://www.russellsage.org/
- Wexler, D. B. (1996). *Therapeutic Jurisprudence: The Law as a Therapeutic Agent.* Carolina Academic Press.
https://www.researchgate.net/
- Young, K. (2012). *Sport, Violence and Society.* Routledge.
https://www.routledge.com/Sport